

تعامل اقتصادی با هم می‌شوند، حاکمیت و نظام حکمرانی چه مکانیزم‌هایی را ایجاد کرده که این دو نفر که وارد تعامل اقتصادی با هم شدند، تعهدات خود را اجرا کنند؛ یعنی طرفین با توجه به آن ضمانت‌هایی که حکمرانی برایشان می‌آورد حاضر هستند که وارد تعامل با هم شوند و تعامل اقتصادی را با هم جلو ببرند. این شاخص به‌طور جدی در حکومت‌ها به‌نظام حکمرانی قضایی و عملکرد نظام‌های قضایی‌شان و نظام حقوقی‌شان برمی‌گردد.»

طاهری نژاد در باب یکی از چالش‌های نظام قضایی خاطر نشان کرد: «شاخص حقوق مالکیت که بخش اعظم حقوق مالکیت سکانداری‌اش به دست قوه قضائیه است. مسئله حقوق مالکیت، پایه اصلی شکل‌گیری بستر فعالیت کارآفرینان اقتصادی یعنی سرمایه‌گذار خارجی و داخلی است. حقوق مالکیت در کشور ما در وجوه مختلفش مشکلاتی دارد. یکی از مشکلات نظام حقوق مالکیت، در عرصه حقوق مالکیت اموال غیرمنقول، مسئله اعتبار معاملات عادی است. مباحثی است که پیگیری جهت حل این‌ها باید از طرف قوه قضائیه انجام شود و تأکید من بر این است که قوه قضائیه باید به این مسئله توجه کند که بخش جدی از نقشش در اقتصاد نقش فعالانه و ایجابی است که به نظر می‌رسد این وجه باید کمی پررنگ‌تر پرداخته شود.»

نقش مردم در حکمرانی قضایی

محمد طاهری نژاد درباره نقش مردم در حکمرانی قضایی گفت: «در حوزه مردمی شدن به نظرم مسئله نقش‌آفرینی مردم در حکمرانی یک مسئله‌ای است که از قواعد پایه‌ای حکمرانی است. شاید کشورهای نظام سلطه و کشورهای پیشرفته، آن قدری که از حیث مبانی ایدئولوژیک ما مسئله مردم و نقش‌آفرینی آن را در حکمرانی جدی می‌دانیم آن‌ها قائل نباشند، اما به نظرم با یک تجربه‌ای که در نظامات حکمرانی‌شان داشتند فهمیدند، پایداری نظام حکمرانی و کارآمدی‌اش یکی از مسائل جدی‌اش، نقش‌آفرینی مردم است. یک مثال بزنم در عرصه نظارت، نظارت‌هایی که یک حکومت می‌خواهد انجام دهد برای اینکه اهداف خود را پیگیری کند، امروزه نظارت‌های غیرمتمرکز مبتنی بر نقش‌آفرینی مردم است در این

کشورها به‌شدت توسعه پیدا کرده است.»

وی در این باره افزود: «مثلاً در باب نظارت‌های منجر به کشف فساد و تخلف، در آخرین آمارهای نهادهای این حوزه تقریباً از ۱۲ روش اصلی کشف فساد، ۴۰ تا ۵۰ درصد فسادها در این کشورها توسط مردم کشف می‌شود. همان روشی که با ادبیات سوت‌زنی در جامعه کمی مطرح شده و پیگیری می‌شود و حضرت آقا هم در مسئله نظارت مردمی اخیر تأکید کردند. ما به‌طور مبنایی خودمان روی این موضوع خیلی قائل بودیم، منتها سازوکارهای نقش‌آفرینی مردم را ایجاد نکرده بودیم.»

مدیران‌دیشکده مطالعات حکمرانی نرم ضمن آسیب‌شناسی رویه قوه نسبت به بهره‌گیری از ظرفیت مردمی ادامه داد: «یکی از مأموریت‌های قوه قضائیه در قانون اساسی مسئله نظارت است. در مسئله نظارت، قوه قضائیه باید از مدل‌های نظارت متمرکز که امروزه دنیا هم فهمیده است جواب نمی‌دهد کمتر استفاده کند و نظارت‌های غیرمتمرکز را مورد توجه قرار دهد. یکی از نقدهای به قوه قضائیه همین مسئله نظارت مردمی است (با اینکه نسبت به گذشته خیلی جلوتر آمدیم و آقای رئیسی و مدیران دستگاه قضایی مسئله نظارت مردمی را با انواع ادبیات‌ها آن یعنی سوت‌زنی، گزارشگران مردمی و... مورد تأکید قرار دادند) اما یکی از مسائل جدی این است که آیا اینکه یک سامانه و تلفنی را اعلام کنیم یا سایت طراحی کنیم کافی هست یا نه؟ به نظر می‌رسد کافی نیست.»

ضرورت بازنگری در نظام ارائه خدمات حقوقی

در ادامه محمدعلی فراهانی درباره نظام ارائه خدمات حقوقی گفت: «هر زمانی صحبت از قوه قضائیه و وظایف قوه قضائیه می‌شود صرفاً ذهن ما متسلسل شده است به دو دسته از افراد. در برخی

» شاخص حقوق مالکیت که بخش اعظم حقوق مالکیت سکانداری‌اش به دست قوه قضائیه است. مسئله حقوق مالکیت، پایه اصلی شکل‌گیری بستر فعالیت کارآفرینان اقتصادی یعنی سرمایه‌گذار خارجی و داخلی است.

موارد که صرفاً به قضات توجه می‌کنیم. در یک نگاه بالاتری صرفاً ما قضات و وکلای مد نظر قرار می‌دهیم و برای آن‌ها حقوق و تکالیفی پیش‌بینی می‌کنیم تا در ارتقای نظام قضایی یا نظام حقوقی نقش‌آفرینی نکنند.» وی اضافه کرد: «در دوران تحول قوه قضائیه (به معنای عام تحول نه صرفاً تحول در دادگاه و دادسرا)؛ قرار است مأموریت اصلی قوه، تحقق عدالت باشد، یعنی بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، وظیفه، احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین و... باشد. وقتی وظایف قوه قضائیه را در نگاه عام ببینیم، قوه قضائیه صرفاً نباید محدود به قضات و وکلای باشد. خدمات حقوقی را به معنای جدید دید و متناسب با آن برنامه‌ریزی کرد.»

لزوم ساماندهی نهاد وکالت بر اساس ارائه خدمت پیشینی نه پسینی

فراهانی درباره لزوم ساماندهی نهاد وکالت خاطر نشان کرد: «وقتی در مورد سامان‌دهی نهاد وکالت صحبت می‌کنیم باز وکلای ما صرفاً بر اساس رویکرد سنتی که به موضوعات انجام می‌شود می‌بینیم که به‌صورت پسینی فعالیت می‌کنند یعنی حتماً باید دعوا و اختلافی باشد، اشخاص حقوقشان مورد تعرض واقع شده باشد؛ بعد به‌عنوان نهادی که می‌تواند به آن‌ها در خصوص احقاق حق کمک کند؛ به وکلای رجوع شود. ما وقتی نهاد وکالت به معنای عام ببینیم وکیل را صرفاً به‌عنوان وکیل قضایی تصور نمی‌کنیم. نگاه پیشگیرانه به وکیل داشته باشیم. با نگاه پیشگیری از جرم که از وظایف قوه قضائیه است که نهاد وکالت را بخواهیم مجدداً بازبینی کنیم و در سازمان‌دهی آن تجدیدنظر کنیم؛ آن وقت شاید نحوه سازمان‌دهی نهاد وکالت متفاوت باشد. وقتی رویکرد عوض می‌شود شاید نظام سنجش و پذیرش وکیل و یک پله بالاتر فعالان عرصه خدمات حقوقی تغییر کند و شاید این عرصه نباید محدود به وکلای قضات باشد.»

وی همچنین درباره تأثیر نهاد وکالت در عرصه تولید گفت: «چون اقدامات مطالعاتی هم در این حوزه صورت گرفته می‌گویم. یک بخش عمده‌ای از مشکلات که در عرصه تولید بنگاه‌های اقتصادی و فعالان اقتصادی با آن مواجه هستند بحث قراردادهای است. در انعقاد قراردادهایشان